



## نور حق به خاموشی نمیگراید

۷- وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعَىٰ إِلَى الْإِسْلَامِ  
وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ .

ظالمتر از آنکه بخدا دروغ می‌بندد (پیامبر او را تکذیب می‌کند و معجزه او را سحر می‌خواند) درحالی که بسوی اسلام دعوت می‌شود، کیست؟! خداوند گروه ستمگران را هدایت نمی‌کند.

۸- يَرْيَدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ  
كَرِهَ الْكَافِرُونَ

می‌خواهند نور خدا را با دهن‌های خود خاموش کنند، خدا کامل کننده نور خویش است (و آئین او سراسر جهان را خواهد گرفت) اگر چه کافران کراهت داشته باشند.

۹- هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ (۱)  
عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ .

او (خدائی) است که پیامبر خود را با کتاب هدایت (کننده) و آئین حق و استوار فرستاد، تا آنرا بر تمام آئینها غالب و پیروز گرداند، اگر چه مشرکان مکروه بشمارند.

جای گفتگو نیست که یکی از نعمتهای بزرگ جهان طبیعت «نور» است، نور جسمی است دارای مزایا و امتیازاتی که زندگی جانداران و گیاهان بدون آن امکان پذیر نیست، و اگر روزی «روشنی» از صفحه هستی رخت بر بندد، طومار زندگی درهم پیچیده میشود، اینک آثار چشم گیر نور را میتوان در چهار قسمت خلاصه کرد:

۱- پرورش دهنده جانداران و گیاهان

جانداران و گیاهان در پرتو نور، رشد نموده، وبه سرحد تکامل میرسند، تاچندی پیش تصور میکردند که اعماق دریا خالی از نور است، ونقط جانداران و گیاهان خشکی در پرورش خود بنور نیازمند میباشند، ولی اخیراً

کشف گردید که نور در تمام دریا وجود دارد ، و سازنده نور ، بدنهای خودجانداران دریا است و چه بسا احتمال میدهند که پرورش آنها بوسیله انوار دریائی انجام میگردد .  
توضیح اینکه در اعماق بیش از ۵۰۰ مترالی ۶۰۰ متر ظلمت حکمفرما است ، و نور خورشید پس از آنکه بتدریج انوار «قرمز» و «نارنجی» و «زرد» و «سبز» و «آبی» خود را از دست میدهد، جای خود را به «نور تاریکی» میدهد که از بدن موجودات زنده زیر دریا ساطع است ، و از عمق ششصد متر بعد فقط موجودات دریا هستند که از سطح بدن آنها نوری کم و بیش میتابد. حیوانات مزبور در حقیقت به مثابه فانوسهای زنده ای هستند که در اعماق دریا روشن شده اند» (۱).

اگر در ماه مرداد از عرشه کشتی به آب دریا بنگرید ، تصور میکنید که ستارگان آسمان دهها هزار برابر شده و عکسشان در آب افتاده است ، و اگر دستتان را در آب فرو ببرید انگشتان شما از ذرات نورانی پوشیده میشود ، این ذرات درخشنده از حیوانی است ذره بینی که به «نوکتیکوگ» موسوم است .

خلاصه نه تنها جانداران دریائی در اعماق پائین تر از ششصد متری زندگی میکنند، بدریا نور می بخشند ، بلکه نباتات ثابت دریائی نیز این اثر را دارند ، و از این طریق ، به پیدایش حیات و ادامه آن در اعماق آنها ، امکان بخشیده اند . (۲)

۲- سریعترین حرکت، حرکت نور است نور در هر ثانیه سیصد هزار کیلومتر (معادل ۵۰ هزار فرسخ) سرعت دارد و هیچ موجود مادی از نظر سرعت نمی تواند به پای آن برسد ، زیرا اگر جسمی معادل سرعت نور حرکت نماید ، بیدرنک تبدیل به انرژی و نیرو می گردد.

۳- نور از پدیده هایی است که طبعاً واضح و روشن است ، و بالذات خود را نشان میدهد و در دیدن آن نیازی به چیزی نداریم. برخلاف پدیده های دیگر مادی که در رؤیت آنها به نور نیازمندیم ، رؤیت اشکال و الوان و تشخیص اجسام همگی بوسیله نور انجام میگردد ، هنگام شب پرده ضخیمی در تاریکی بر روی موجودات و حرکات انسانی می افتد. همه موجودات یکنواخت و بیک صورت و چهره ، جلوه گری مینمایند از این نظر در تاریکی شب نمی توان میان عبادت عابدان و کارهای خداپسندان مردان نیک اجتماع ، و حرکات مرموز دزدان و راهزنان فرق گذارد ، و همواره ینماگران و دزدان اموال و ثروت ، و گروههای تبهکار، از فرصت ظلمت شب استفاده نموده از خانه خود بیرون آمده ، دست بجنایت میزنند . ولی از ترس اینکه روشنی روز، پرده از روی جنایات آنها بردارد ، در پایان شب ، باز به خانه های خود برگشته و جامعه را بحال خود رها می کنند .

۲- نظری به طبیعت ص ۶۵-۶۷ ،

(۱) : نظری به طبیعت و اسرار آن ص ۶۰

اینها همگی آثار بارز نور حسی است ولی از آنجا که نور معنوی نیز از این آثار به وجه دیگری برخوردار است، قرآن لفظ نور را در مواردی که میان آنها و نور مادی از نظر آثاره شباهت وجود دارد، بکار برده است.

قرآن علاوه بر اینکه لفظ «نور» را در مورد خود خدا بکار برده (۱) در سه مورد درجائی لفظ «نور» را در اسلام و ایمان بکار برده و ایمان را نور و کفر را «ظلمت» خوانده و میفرماید: *الله ولی الذین آمنوا یخبرهم من الظلمات الی النور*. بقره ۲۵۷: خداوند دوست کسانی است که ایمان دارند، آنها را از تاریکی (کفر) وارد روشنی (ایمان) مینماید.

و در جای دیگری این لفظ را در باره قرآن بکار برده و این کتاب آسمانی را که نور بخش قلوب و راهنمای بشر در زندگی است، نور نامیده و میفرماید: *وانزلنا الیکم نورا مبینا*. نساء - ۱۷۴: نور روشنی (قرآن) برای شما نازل کردیم و گاهی خود پیامبر و این منبع نور الهی و روشنی را نور نامیده و میفرماید: *قد جاءکم من الله نور و کتاب مبین*. مائده ۱۵: از جانب خدا نور (پیامبر) و کتاب روشنی بسوی شما آمده است.

از آنجا که قرآن این لفظ را در یک معنی بکار برده است، امکان دارد که مقصود از «نور الله» در جمله «لیطفوا نور الله» (۲) همه و یا یکی از معانی سه گانه یاد شده باشد. ممکن است مقصود «قرآن» باشد، زیرا در آیه ششم بطور کنایه نامی از قرآن برده نشده و یاد آور گردیده که مسیحیان پس از شناسائی موعود انجیل، معجزه او را سحر خوانده اند (۳) گذشته ازین، در آیه هفتم کسانی را که بخدا افتراء می بندند، در حالی که به اسلام خوانده می شوند، ستمگرترین افراد خوانده است، افتراء این افراد اینست که معجزه پیامبر اسلام و موعود انجیل را سحر میخوانند، روی این قرائن میتوان گفت که منظور از «نوری» که کافران در خاموش کردن آن می کوشند، همان قرآن است. ممکن است مقصود پیامبر باشد، زیرا در آیه ششم آمدن پیامبری را که نام او «احمد» است محور بحث قرار داده و در آیه نهم نیز در باره بعثت او سخن میگوید آنجا که میفرماید: «هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق».

چنانکه احتمال دارد که مقصود از «نور» آئین اسلام باشد زیرا چنانکه ملاحظه میفرمائید، موضوع بعثت پیامبر با ارسال دین استوار (دین الحق) با هم ذکر کرده است.

(۱): *الله نور السموات والارض*. نور،

(۲): به آیه هشتم و ترجمه آن مراجعه بفرمائید.

(۳): فلما جاءهم بالبينات قالوا هذا سحر مبین.

خلاصه در خلال این آیات برای هر يك از معانی سه گانه قرینه وجود دارد، و نمیتوان یکی را بردیگری ترجیح داد. و در هر حال قرآن نور است، پیامبر نور است، ایمان و اسلام نور است، چرا؟؛ زیرا هر يك از آنها آثار برجسته نور حسی را بطرز جالب و ارزنده ای دارا هستند.

### چرا آنها را نور می نامیم

اگر نور حسی پرورش دهنده جانداران و گیاهان است، همچنین نور معنوی (قرآن، پیامبر، ایمان) مربی دل و جان و موجب تکامل انسان می باشد، و آدمی در سایه این انوار الهی، که همگی از نور نامتناهی خداوند سرچشمه می گیرند، به آخرین حد تکامل از نظر علم و عمل میرسد.

اگر نور حسی نشان دهنده خود و موجودات دیگر است، نور حق نیز پیوسته ساطع و فروزان، و حقیقت خود را برای انسان مینمایاند.

اگر نور حسی کوتاه کننده دست جنایتکاران و بازدارنده آنان از خیانت است، نور معنوی نیز، تبهکاران اجتماع را از هر نوع فعالیت ضد اخلاقی و اجتماعی باز داشته، و فرصت فعالیت به آنان نمی دهد.

اگر در تاریکی شب یغماگران اموال، بفرکنانیت میافتند، در مواقعی که نور معنوی در نقطه ای به ضعف می گراید، دزدان اخلاق و سرمایه های انسانی، از فرصت استفاده نموده و بفرست کردن پایه ایمان و ایجاد هرج و مرج می باشند.

اگر نور حسی سرعت سرسام آور، فواصل مکانی را طی میکند، نور معنوی در قلوب آماده و ارواح پاک و سرشتهای دست نخورده آنچنان نفوذ میکند که در اندک زمانی، قلوب ملتها را تسخیر نموده، و دامنه نفوذ خود را به نقاط دور گیتی میرساند.

به همین مناسبت که نور معنوی، نیز بسان نور حسی، سرعت نفوذ در قلوب و ارواح دارد) قرآن نوید قطعی میدهد که این نور (آئین حق) سرانجام سراسر جهان را فرا خواهد گرفت و خداوند آنرا بر همه ادیان پیروز خواهد گردانید آنجا که میفرماید:

يُظهِرُ عَلِيَّ الدِّينِ كَلَهَ : بر هر چه بنام دین است، پیروز خواهد ساخت،.